



این اولین تجربه حرفه‌ای بازی شما بود؟

نه، قبل ترش در سریال‌های «کف رودخانه» و «مرگ» را بازی کرده بودم. صادق هاتقی کارگردان «مرگ» بازی من را در نمایش امیر دژاکام به نام حماسه سبز دیده بود. در آن دوران به همراه نسیم ادبی و سعید داخ کارهای فرم زیادی بازی می‌کردیم و با داشتن شور جوانی مدام از تئاتر شهر به تالار وحدت می‌رفتیم و کار می‌کردیم.

در آن دوران بازی در تئاتر آورده مالی داشت؟

در حد پول توجیبی و رفت و آمد بود.

بازی شما در «مرگ» خوب دیده شد؟

بله، متن برای وودی آلن بود و من نقش شخصیت امریکایی را بازی می‌کردم و حین پخش از شبکه ۲ مورد استقبال مردم قرار گرفت. به تدریج بازی‌هایم بیشتر دیده شد و با قاسم جعفری همکاری کردم.

با قاسم جعفری که در آن دوران در اوج بود همکاری مستمری داشتید...

بله، جعفری سریال‌های پر مخاطبی مثل «راه سوم» و «همسفر» را ساخته بود.

به چه دلیل در دوره دوم فعالیت‌های قاسم جعفری در سریال‌هایی مثل «خط قرمز» با او همکاری نداشتید؟

برای این کار به من پیشنهاد داد، اما درگیر بازی در سریال «جوان امروز» بودم.

قبوا دارید محبوبیت و تاثیرگذاری «خط قرمز» خیلی بیشتر از «جوان امروز» بود.

درست است. چون اول قرار داد برای «جوان امروز» بسته بودم نمی‌توانستم همزمان در این دو سریال بازی کنم.

کدام نقش را قرار بود در «خط قرمز» بازی کنید؟

نقشی که سرور گودرزی بازی کرد. بعدش دوباره در سریال «برای آخرین بار» با قاسم جعفری به عنوان تهیه کننده همکاری کردم.

به چه دلیل در سایر فیلم‌های سامان مقدم دیگر همکاری نکردید؟

برای «سپاوش» از من دعوت کرد اما مشغول بازی در فیلمی بودم و نتوانستم بازی کنم و بعدش دیگر فرصت همکاری با مقدم پیش نیامد.

در آن سال ها تمرکز شما بیشتر در تلویزیون بود تا سینما...

در آن سالها تلویزیون در اوج بود و سریال‌های خوب و پر مخاطبی تولید می‌شد و من هم در تلویزیون دارای جایگاهی بودم و بیشتر ترجیح می‌دادم که در تلویزیون کار کنم تا در سینما و البته در سینما هم حضورهای خوبی داشتم.

آیا در آن دوران که در اوج بودید انتظار پیشنهاد بازی در فیلم‌های کارگردانانی چون کیمیایی، فرهادی، مهرجویی یا تقوایی رانداشتید؟

دوست داشتم چنین اتفاقی بیفتد...

شاید چون رابطه نزدیکی با این کارگردان‌ها نداشتید این اتفاق رخ نداد...

ممکن است علتش این باشد. من اهل زنگ زدن به

کارگردان و رفتن به دفتر تهیه کننده نیستم. دوست دارم خود کارگردان و یا تهیه کننده با میل و اراده خودش پیشنهاد بازی بدهد.

یکی از دلایلی که این جنس کارگردانها با شما همکاری نکردند شاید به این علت باشد که شما بیشتر در سینمای بدنه و تجاری فعالیت می‌کردید...

نمی‌دانم. من فیلم پرفروش مثل «چپ دست» و «شاخه گلی برای عروس» زیاد بازی کرده‌ام.

تصور می‌کنم «شاخه گلی برای عروس» اولین تجربه بازی شما در نقش خاکستری و منفی بود.

قبل ترش هم در سریال «نیستان» چنین تجربه‌ای داشتم و قرار بود نقش مثبتی در کنار فرامرز قریب‌بان بازی کنم و در حین تمرینات حسین مختاری گفت دوست نداری نقش اصلی منفی سریال را بازی کنی. این نقش (بابک) بسیار متفاوت و چند وجهی بود و قبولش کردم.

آیا این تردید رانداشتید که ممکن است ایفای نقش منفی باعث کاهش محبوبیت شما بین مردم بشود؟

آن موقع فکر می‌کردم که حضور مستمر در نقش‌های مثبت من را کلیشه می‌کند و نقش بابک چالش دلپذیری برای تجربه کردن نقش منفی است. در حدود هشت سالی فقط نقش مثبت بازی کرده بودم. از طرفی یک بازیگر باید توانایی ایفای نقش‌های مثبت، منفی، کمدی، درام و غیره را داشته باشد. خوشبختانه تجربه نیسان موفق بود و مردم بازی ام را دوست داشتند. در مجلات هم منتقدان از کارم استقبال کردند تا به امروز هم نقش‌های خاکستری و منفی زیادی ایفا کرده‌ام که آثار قابل توجه و خوبی هستند.

الآن تصور می‌کنید ایفای چه نقشی در کارنامه کاریتان خالی است؟

همه نوع نقشی اعم از معتاد، روانی، رزمنده، مدیر، وکیل، پزشک و... بازی کرده‌ام. نقش‌هایی را دوست دارم که من را وارد چالش بکنند.

در کدام سریال نقش معتاد را بازی کردید؟

در سریال «راه سوم» نقش منفی را در کنار اکبر خان عبدی، زنده یاد استاد مشایخی، مهرانه مهین‌ترابی و... بازی کردم.

احتمالا برای ایفای نقش معتاد اول رفتید بازی وثوقی را در فیلم گوزنها دیدید؟

در دانشگاه آموختم که چند شیوه برای رسیدن به نقش وجود دارد. تحقیقات و برخورد عینی و تکنیکال از جمله این شیوه‌ها است. دو ماهی که پیش تولید این سریال طول کشید هر موقع در خیابان معتادی می‌دیدم چند دقیقه‌ای با دقت رفتار و سکناتش را زیر نظر می‌گرفتم.

در دهه هفتاد به سراغ آثار پلیسی و حادثه‌ای هم رفتید؟

بله، ورزشکار بودنم کمک کرد تا از عهده ایفای این نوع نقش‌ها که به آمادگی جسمانی بالایی نیاز دارد بر بیایم. «سایه سبز» و «انتخاب ویژه» از جمله آثار موفقم در این ژانر هستند.

در سینمای آمریکا ساخت و بازی در فیلم‌های پلیسی به واسطه این که می‌شود چهره خاکستری از پلیس نشان داد راحت‌تر از سینمای ایران است که فیلمساز باید در چارچوب خاص و ارائه چهره مثبت پلیس کار کند...

این محدودیتها را قبول دارم و به کیفیت آثار پلیسی نیز

لطمه وارد می‌کند. خب سیاست گذاری‌ها به این سمت است و نمی‌شود تصویر خاکستری و منفی از پلیس ارائه کرد. محدود آثار پلیسی بودند که موازنه قدرت بین نیروهای پلیس و دزدها وجود داشت و آثار خوش ساختی بودند.

با کدام از بازیگرانی که همکاری داشته‌اید احساس رضایت دارید؟

تجربه خوب و جذابی با اکبر خان عبدی در سریال راه سوم داشتم و همبازی شدن با ایشان عین حضور در دانشگاه است و باید تاکید کنم هر کسی که چیزی به من بیاموزد استاد من است و برایش احترام قائلم. در این سالها با بزرگانی مثل امین تارخ، جمشید مشایخی و خیلی‌های دیگر بازی داشته‌ام و برایم ارزشمند بودند.

خاطره‌ای از اکبر عبدی دارید؟

اکبر خان آنقدر طنز، شیرین و خوش مشرب هستند که تمام لحظات کنارشان پر از خاطره است. ایشان در کارش خلاقیت دارد و ایده‌های خوبی درباره بازی‌اش ارائه می‌کند و خوشحالم که در راه سوم نقش پسرشان را بازی کردم و به من گفت خوشحالم که منطقی کارت را شروع کرده‌ای و با تحصیل در رشته هنر توانستی در کارت موفق باشی. یادم می‌آید قبل از شروع هر سکانس دو نفره به من می‌گفت بهتر است در این صحنه این گونه رفتار کنیم و با واکنش نشان بدهیم.

با کدام از بازیگران زن تعامل و همکاری کاری خوبی داشتید؟

با ماهیا پطروسیان در فیلم «زن بدلی» تجربه موفقیت داشتم.

کار با کارگردان‌های زن مثل تهمنه میلانی چگونه بود؟

میلانی کارگردان توانمند و کار بلدی است و تفکرات و ایده‌هایش خاص خودش را در قبال نشان دادن زنان در درام آثارش دارد. در فیلم زن زیادی و «دروغ چرا» تجربه لذت بخش کاری را با او به دست آوردم. «زن زیادی» از جمله آثار مطرح اجتماعی دهه هشتاد بود.

برخی از بازیگران به خصوص سلبریتی‌ها درباره تغییر چهره و کوتاهی و یابلدی مو با گریمورها دچار چالش می‌شوند و در برابر آن مقاومت می‌کنند. آیا شما هم جزو این گروه از بازیگران هستید؟

اصلا چنین رویه‌ای ندارم. موقعی که نقشی برای بازی پیشنهاد می‌شود و قبولش می‌کنم در کوتاه‌ترین زمان با تهیه کننده و گریمور جلسه‌ای ترتیب می‌دهم که بهترین روش برای نزدیک شدن به نقش درباره تغییر چهره چگونه است و به خرد گروهی اعتقاد دارم و پذیرای پیشنهادات و نظرات گریمور هستم. از هیچ کاری مثل ایجاد زخم و بریدگی، کوتاه کردن، رنگ کردن و سایر وابستگی‌های گریمو ابایی ندارم و انجامش می‌دهم. معتقدم گریمو یکی از ابزارهای مهم کمک به بازیگر و یک هنر مستقل و موثر و کاربردی در جهت ارتباط بهتر مخاطب با نقش است. لوکیشن، دکور، لباس و گریمو از ابزارهای کمی برای ارتقای کار بازیگر و قابل باور شدنش برای مخاطب است. نمی‌شود یک بازیگر با چهره ثابت نقش یک دکتر و یا یک دیوانه و یا یک قاتل را بازی کند و این کار او را کلیشه‌ای می‌کند.

در کدام فیلم گریمو متفاوتی داشتید؟

همین کار اخیرم سریال «کمال ۲» گریمو متفاوت بود.

در این سریال نقش مرد نانوائی را بازی کردید که دختر

بزرگی دارد و سن و سالش زیاد است...

بله، در «کمال ۲» نقش مردی ۶۰ ساله کاسبی را بازی کردم که از خودم ده سال بزرگتر بود. در «شب شیشه‌ای» و «مرگ» هم گریمو متفاوتی داشتم.

یکی از کارگردان‌های نامتعارف و خاص سینما حسینعلی لیالستانی است که شما با او در فیلم «تابلویی برای عشق» کار کردید. از این تجربه بگویید؟

تابلویی برای عشق در زمستان در شمال کشور و در ارتفاعات در مدت سه ماه فیلمبرداری شد و ایشان دیدگاههای خاص خودش را داشت و عاشق سکانس آپلان بود و قاب بندی‌های درخشانی در فیلم‌هایش داشت و در این زمینه وسواس و دقت زیادی به خرج می‌داد. فیلم‌های لیالستانی طبیعت محور بودند و در دل طبیعت فیلمبرداری می‌شدند.

آیا خاطره‌ای از بازی در فیلم «تابلویی برای عشق» دارید؟

در حین فیلمبرداری که در سرمای زیر صفر در ارتفاعات سیاهکل بود، قرار شد در سکانسی بعد از تصادف ماشینم در آن گیر کنم و در حدود شش ساعتی درگیر فیلمبرداری بودیم و آنقدر در سرما و باران بودم که بعد از خاتمه این سکانس ساعتها نمی‌توانستم از جایم تکان بخورم.

آیا به جنس بازی فیکوراتیو علاقه دارید؟

نقش بازیگر را راهنمایی می‌کند که چگونه به سمتش برود و به چه شیوه‌ای بازی‌اش کند. یک سری فیلمنامه‌ها وجود دارد که نقش را باید بازیگر رنگ آمیزی‌اش کند. حالا با نوع بازی فیزیکی‌کالشی و یا استفاده از المان کمکی مثل گرفتن شیء و غیره.

در «راز ناتمام» که این روزها از شبکه آی فیلم پخش می‌شود نقش منفی و در قصه‌های «کمال» در نقش مثبت حضور دارید. چقدر به این تنوع کاری اعتقاد دارید؟

در «راز ناتمام» نقش یک تروریست حرفه‌ای و خونسرد را بازی کردم و برای جذاب شدنش از یک سری نشانه‌های بیرونی مثل نوع نگاه و سکوت‌های طولانی استفاده کردم تا درونی و متفکرتر به نظر برسد و کارگردان هم از این پیشنهادات استقبال کرد. در «حکایت‌های کمال» نقش یک نانوای دهه سی را بازی کردم و چالش خوبی برایم بود و دوست نانوائی داشتم که مدتی از حرف‌ها و رفتارهایش استفاده کردم.

آیا ایفای نقشی که به لحاظ سن و سال از شما بیشتر است برایتان چالش‌زبان بود؟

من از هیچ تجربه جدیدی نمی‌ترسم. نقش را باید بازیگر آنالیز کند و با هر ویژگی بتواند بازی‌اش کند. من حتی از انجام کارهای خطرناک که نیاز به بدل دارد نیز ابایی ندارم و در «عملیات ۱۲۵» از کارگردان خواستم که اجازه بدهد خودم این صحنه‌ها را بدون استفاده از بدل بازی کنم. در «کلاه سبزه‌ها» هم چنین چالش‌هایی را انجام دادم.

آیا خاطره تلخی از دوران بازیگری تان دارید؟

در سریال «شهر باران» که سریال ماه رمضان بود و سکانس تعقیب و گریز با موتور تریلر داشتم و کارگردان من از خواست که سکانس را دوباره بازی کنم، بر اثر عدم هماهنگی با ماشین تصادف کردم و کشتک پایم آسیب جدی دید و چند ماهی خانه نشین شدم و حتی کار به جایی رسید که دکترها عنوان کردند برای اینکه بدنم عفونی نشود باید پایم قطع شود و به لطف خدا و با زحمت دکتر فرودی عملی حساس انجام شد و پایم بهبود پیدا کرد.